

آنچه در زیر میخوانید ترجمه سخنرانی فلیسیتاس تروی، زن فعال آلمانی، در رابطه با شکنجه در مکزیک است. این سخنرانی به دعوت «گروه خویشان و دوستان زندانیان سیاسی در مکزیک» در روز ۲۸ ژوئن ۲۰۰۵ در ونکوور- کانادا صورت گرفت.

فلیسیتاس زن روانشناسی است که بیش از شش سال است با افراد شکنجه شده در مکزیک کار میکند و یکی از بنیانگذاران «جمعیت مبارزه با شکنجه و معافیت از مجازات» است.

وی متخصص و صاحب نظر در زمینه تاثیرات جسمی و روانی شکنجه بر انسان هاست. و به عنوان کارشناس برای «کمیسیون حقوق بشر کشورهای آمریکا» فعالیت داشته است. وی همچنین بسیاری از افراد را برای کار در این زمینه آموزش میدهد. فلیسیتاس مقالات متعددی در مورد شکنجه دارد.

آنچه در نوشته ها و گفتار فلیسیتاس چشمگیر میباشد، این است که وی هیچگاه از کلمه قربانی در مورد شکنجه شدگان استفاده نمیکند، زیرا معتقد است که قربانی کسی است که "بیگناه" بوده و بدون هیچ دلیلی شکنجه و مجازات بشود. و در عین حال کلمه «قربانی» به مفهوم آن است که فرد مطلقاً «بی عمل» است، حال آن که افراد تحت شکنجه خود «سوژه» هستند و از خود عملکردی دارند که در آن نادیده گرفته می شود. در حالیکه زندانیان سیاسی به این دلیل به زندان میافتند که معترض به عملکرد حکومتهاشان هستند و دقیقاً همین اعتراضات و ادامه مبارزاتشان در زندان، خود دلیل کافی است تا ماموران حکومتی بی مهابا آنان را مورد آزار و ضرب و شتم قرار بدهند.

تجربه این «جمعیت» نشان می دهد که دولت مکزیک مانند برخی دولت های دیگری که ادعا میکنند دولت «خواهان تغییر و اصلاح» هستند، هیچ قدمی به نفع بهبود زندگی مردم مکزیک بر نمیدارد. دولت فوکس از همان ابتدای روی کار آمدنش به پروژهای خصوصی سازی، همکاری با طرحهای صندوق بین المللی پول، از بین بردن اتحادیه های کارگری، حمله به جنبش های کارگران، زنان، دانشجویان، حقوق بشر و بسیاری از اعمال غیر انسانی دیگر دست زده است.

فلیسیتاس میگوید این ها آن پروژه های اقتصادی - سیاسی ای هستند که حکومت مکزیک میخواهد به پیش ببرد و در این راه تلاش میکند هر معترضی را از سر راه بردارد. به همین مناسبت زندان های مکزیک مملو از کسانی است که به این پروژه ها اعتراض دارند و در مقابل انجام آن ها مقاومت میکنند. این افراد همان هایی هستند که در معرض بدترین شکنجه های جسمی و روانی قرار میگیرند.

فعالیت های فلیسیتاس فقط به مکزیک ختم نمیشود. وی در آلمان با بسیاری از پناهندگان ایرانی که در گذشته زندانی سیاسی بوده اند نیز کار میکند. فلیسیتاس با تجاربی که از کار و فعالیت در کشورهای دیگر، از جمله ال سالوادور و کردستان ترکیه دارد، معتقد است که حبس و اعمال شکنجه به مثابه یکی از شیوه های سرکوب آزادیخواهان در اکثر کشورها، حتی آنهایی که خود را "دمکراتیک" مینامند، وجود دارد. شاید به همین جهت است که وی عنوان «مکزیک: شکنجه در یک جامعه دمکراتیک» را برای سخنرانی خود برگزیده است.

پ.ا.

«مکزیک : شکنجه در یک جامعه دمکراتیک؟»

فلیسیتاس تروی (Felicitas Treue)

مترجم : پروین اشرفی

parvinashrafi@hotmail.com

قبل از هرچیز اجازه بدهید از «گروه خویشان و دوستان زندانیان سیاسی در مکزیک» که مرا به این برنامه دعوت کرده اند و این فرصت را به من دادند تا در زمینه مقوله شکنجه سخن بگویم، تشکر کنم.

امروز، یعنی ۲۸ ژوئن، روزی است که معنی بخصوصی دارد. از یکسو بخاطر نزدیک بودن آن به ۲۶ ژوئن، روز جهانی سازمان ملل در حمایت از شکنجه شدگان، و از سوی دیگر بخاطر اینکه امروز دهمین سال کشتار آگواس بلانکاس (Aguas Blancas) در ایالت گرورو (Guerrero) است. در این روز ۱۷ تن از دهقانان عضو سازمان کشاورزان (سازمان دهقانان کوهستان جنوب OSCC) هنگامیکه به یک تظاهرات میرفتند، توسط پلیس حکومتی به قتل رسیدند. تا همین امروز مسئولین این جنایت همچنان از مجازات معاف مانده اند، اگرچه مسئولیت فرماندار سابق، Roben Figueroa Alcocer و همچنین ژنرال Mario Arturo Acosta Chaparro در این کشتار بر همگان آشکار است. این واقعه فقط یکی از نمونه های دردناک معافیت از مجازات در مکزیک است.

من یک روانشناس و روانکاو هستم که با «جمعیت مبارزه با شکنجه و معافیت از مجازات» (Colective Against Torture and Impunity – CCTI) در مکزیک همکاری میکنم. CCTI یک سازمان مستقل حقوق بشری است که بر روی مسئله شکنجه متمرکز است، ما افراد بازمانده از شکنجه، خانواده های آنها و تیمی از کارشناسان در این زمینه را گرد هم میآوریم. در این مقطع، سه پزشک و سه روانشناس داریم که در دفترمان در مکزیک، در شهر آکاپولکو (Acapulco) کار میکنند.

بگمانم آکاپولکو بخاطر اینکه یک محل توریستی است، برای همه آشنا باشد. اما ما به این دلیل در آکاپولکو کار میکنیم که یکی از بزرگترین زندان های حکومتی در این شهر قرار دارد و گرورو نیز، بخاطر سابقه تجاوز به حقوق انسانها در این ایالت، بسیار شناخته شده است.

فعالیت اصلی ما در زمینه پیگیری سلامت جسمی و روانی افراد شکنجه شده است که از طریق فراهم ساختن کمک های پزشکی، روان درمانی و قانونی صورت میگیرد. ما همچنین به فعالیت برای بالا بردن آگاهی مردم، جمع آوری اسناد و تحقیقات در مورد شکنجه و همچنین به آموزش دادن به دیگر کارشناسان، می پردازیم. امسال ما یک رشته کارگاههای محلی در ایالت گرورو برگزار کردیم تا به مناطقی که شکنجه در آن ها معمول بوده کمک کنیم تا در مورد تعرضی که از آن رنج برده اند، به جمعآوری مدارک بپردازند و همچنین از عواقب روانی فردی و جمعی شکنجه جلوگیری نماییم. بسیاری از کارهای ما در خود زندان ها صورت میگیرد، زیرا تعداد عظیمی از افراد شکنجه شده کسانی هستند که بخاطر اعترافات اجباری تحت شکنجه، به زندان های طولانی محکوم شده اند.

از آن جا که تعداد بسیار کمی کارشناس مستقل در زمینه سلامت جسم و روح وجود دارد که در مورد شکنجه سابقه کار داشته باشند، ما روی شناخته شده ترین موارد شکنجه در مکزیک کار میکنیم و بررسی های پزشکی و روانشناسی را پیش میبریم تا بتوانیم موارد استفاده از شکنجه را ثابت کنیم.

برای آنکه به مسئله شکنجه برخورد کنیم ضروری است که آن را تعریف کرده و بین آن و سایر اشکال خشونت تفاوت قائل شویم. به همین جهت من میخواهم تعریف مختصری از میثاق سازمان ملل علیه شکنجه ارائه بدهم. این میثاق بیان میدارد که شکنجه :

عملی است که درد و رنج شدیدی را، چه جسما و روحا، بطور عمد بر شخصی تحمیل میکند.

عملی است که برای گرفتن اطلاعات و یا اقرار، و یا بعنوان مجازات جهت مرعوب کردن و یا به هر دلیل مبتنی بر هر نوعی از تبعیض، بکار میرود.

این میثاق همچنین شکنجه را به مثابه درد و رنجی تعریف میکند که توسط مقامات دولتی و یا

از طریق آن‌ها و یا توسط شخصی که به عنوان مأمور دولت عمل میکند، اعمال شود.

این تعریف که فقط خود عمل را تعریف می‌کند، ضروری است شامل مواردی گردد که اینگونه اعمال قانوناً به مثابه شکنجه شناخته شوند.

لذا چنانچه بخواهیم پدیده شکنجه را بفهمیم و آنرا در تمام ابعاد آن تعریف کنیم، به یک تعریف جامع تری نیاز داریم که جوانب اجتماعی و سیاسی شکنجه را هم در بر بگیرد.

کار روزانه ما در مکزیک، همچون تجارب کشورهای مختلف، از جمله ظهور دوباره شکنجه دولتی توسط نیروهای آمریکایی، نشان میدهد که شکنجه یکی از ابزارهای سرکوب از انبان سرکوب حکومتی است که در چهارچوب حکومتی برای تامین تسلط، تثبیت ساختار قدرت موجود، مقابله با مقاومت‌های اجتماعی و حمایت از منافع اقتصادی - سیاسی خاصی بکار گرفته میشود.

هدف از شکنجه، خرد کردن شخصیت و هویت شخص شکنجه شده، کنترل وی و مجبور کردن او به اتخاذ رفتار مورد تمایل شکنجه‌گر، میباشد. وی را سپس به مثابه نمونه‌ای از یک انسان خرد شده در معرض دید هر کسی که امکان دارد عقاید و یا فعالیت‌های مشابهی از خود نشان بدهد، قرار میدهند. به همین جهت شکنجه هرگز بر روی یک فرد فقط سمت گیری نمیکند، بلکه همیشه شبکه‌های کار اجتماعی، گروه‌های سیاسی مورد نظر و همچنین خود جامعه به مثابه یک کل را هدف میگیرد.

استفاده مداوم و سیستماتیک از شکنجه به این منظور است که ترس، ترور و بی‌اعتمادی را برانگیخته و گسترش دهند، ارباب را رایج نموده و مردم را فلج نمایند، مقاومت را بشکنند و بالاخره جامعه را کنترل کنند.

در مکزیک، شکنجه علیه رهبران و اعضاء جنبش‌های اجتماعی، دانشجویی و توده‌ای، سازمانهای سیاسی، اتحادیه‌ها و همچنین بر علیه مردمی که این جنبشها را حمایت کرده و به آن سمپاتی نشان میدهند، بکار میرود. بر همین اساس بسیار طبیعی است که در مناطقی و یا در لحظات تاریخی، مشکلاتی چون فقر، تبعیض، منازعات اجتماعی - سیاسی (بر سر استفاده از منابع طبیعی، در دفاع از حقوق سیاسی و احترام به سنتها) به پروسه شدیدی از مقاومت و سازماندهی علیه سیاستهای حکومت منجر شود.

در مکزیک یکی دیگر از زمینه‌هایی که در آن از شکنجه استفاده میشود، زمینه مبارزه با جرایم جنایی است. متهمین به جرایم جنایی را مجبور میکنند که تحت شکنجه به جرم اعتراف نمایند. اعترافی که بعداً به عنوان یکی از عناصر اصلی در محکومیت آن شخص در دادگاه و همچنین پس از آنکه ظاهراً پرونده مختومه اعلام شده است، مورد استفاده قرار میگیرد. تراشیدن افرادی به عنوان مجرم لازم می‌آید تا مسئولین واقعی جرایم را از محاکمه شدن حفظ نموده، بی‌لیاقتی و فساد در درون نیروهای پلیس و دادگستری را لاپوشانی کنند. نباید فراموش کنیم که این گونه اعمال در وضعیتی اتفاق می‌افتد که در آن، نیروهای مختلف پلیس، تا بالاترین مراتب آن، به شرکت در جرایم سازمان یافته، مکرراً متهم میشوند.

هر تحلیل و توصیفی از شکنجه، که فقط شرکت‌کنندگان و مسئولین مستقیم آنرا مد نظر داشته باشد، نادرست است. این گونه تحلیل، در لاپوشانی کردن زمینه واقعی شکنجه و مختصات آن سهم میباشد و از مبارزه موثر با شکنجه جلوگیری میکند. این امر بخصوص در مورد مکزیک مهم است، زیرا اغلب مسئله شکنجه تا سطح نبود تدارکات مناسب برای کار نیروهای پلیس و یا عدم آموزش آنها در زمینه حقوق بشر، تقلیل داده میشود. به نظر میرسد که حل این مسئله فقط به اتخاذ معیارهایی چون بالا بردن آگاهی و رشد تعلیمات بستگی دارد. متأسفانه چنین اقداماتی ساختار شکنجه را مورد حمله قرار نمی‌دهد و در نتیجه اعمال شکنجه را کاهش نمیدهد.

یکی دیگر از جوانبی که لازم به تذکر است، نقش شرکت های سرمایه داری بین المللی و فراملیتی میباشد که در غارت منابع طبیعی یک منطقه خاص نفع دارند. غالباً پروژه های این شرکت ها به همراه توافقاتی با دولت علیه خواسته های مردمی که اجرای این پروژه ها روی زندگی آن ها تأثیر منفی می گذارد، انجام میگردد. یا حتی دولت ها خود را موظف میدانند که از پیس هرگونه مقاومت ممکن در آینده را کنترل نمایند تا شرایط مطلوبی را برای سرمایه گذاری و تضمین فعالیت های بلا مانع نهادهای سرمایه داری فراهم نمایند. اگر چه در چنین مواردی، نهادهای اجرایی، نیروهای حکومتی مانند پلیس، نظامیان و غیره میباشد، اما مسئولیت ها فراتر از چهارجوب کشوری است و اتحادی را با منافع اقتصادی فراملیتی بوجود میآورد.

برای مثال، از منطقه لوسیچا (Loxicha) در ایالت اوکساکا (Oaxaca) نام میبرم. با این بهانه که روستاها حامیان اصلی گروه چریکی «ارتش انقلابی خلق» EPR هستند، موج وسیعی از سرکوب گسترده در سال ۱۹۹۸ از طریق کشتار، ناپدید کردن افراد، دستگیری ها و ایجاد ترور در کل منطقه آغاز گشت. دستگیرشدگان را با شکنجه مجبور کردند که به اعترافات غلطی که آنها را به چریکها مربوط میساخت، دست بزنند. بسیاری از این دستگیر شدگان هنوز هم در زندان بسر میبرند. همزمان با این دوره، بین سال های ۱۹۹۸ و اواخر ۱۹۹۹، شرکت کانادایی «کنه کوت» Kennekott دست به حفاری زد و در این منطقه معادن وسیعی از اورانیوم و تیتانیوم کشف شد.

در چیپاس (Chiapas) و گررو (Guerrero) ما نمونه های بسیاری از منازعات بر سر بهره برداری از منابع طبیعی مانند آب، آب های معدنی، چوب و یا گوناگونی ژنتیکی را شاهدیم که در کنار سرکوب حکومتی علیه مردم صورت میگیرد. این ها حکومت هایی هستند با حضور نظامی قوی و سابقه طولانی تجاوز به حقوق بشر، باضافه یک تاریخچه طولانی مقاومت در برابر خود.

میخواهم تاکید بخصوصی بر روی این امر بگذاریم. زیرا این امر برای مکزیک بسیار مهم است. سیاست اقتصادی نئولیبرال، که همراه است با گشودن بیشتر درها بر روی سرمایه گذاری های بین المللی و نهادهای فراملیتی، خصوصی سازی خدمات پایه ای و بهره برداری منابع طبیعی، کاملاً با منافع و نیازهای مردم فقیر، روستائیان و بومیان مکزیک متضاد است.

اکنون، برطبق اطلاعات رسمی، ۶۰٪ مردم مکزیک در فقر مطلق بسر میبرند. مهاجرت عظیمی به شهرهای بزرگ و یا شهرهای ثروتمند همسایه شمالی به چشم میخورد. قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی، نفتا NAFTA بین ایالات متحده آمریکا، کانادا و مکزیک از سال ۱۹۹۴، علیرغم تمامی قول هایی که داده شد، وضعیت مردم مکزیک را بیش از پیش وخیم کرده است. گندم، حبوبات، برنج و گوشت ارزان ایالات متحده آمریکا به بازار مکزیک سرازیر شده است و کشاورزان مکزیکی نمیتوانند با آن رقابت کنند. فقر، منازعات اجتماعی و تنش در طول سال های اخیر افزایش یافته و حکومت با سرکوب و کنترل شدید با آن مقابله کرده است.

نمونه اخیر آن برخورد به مخالفین گلوبالیزاسیون و تظاهراتی بود که در طول همایش آمریکای لاتین، نشست جزایر کارائیب و اتحادیه اروپا در گوادلاهارا در ماه مه ۲۰۰۴، رخ داد. دستگیری های بسیاری صورت گرفت و بسیاری از دستگیرشدگان از شکنجه جسمی و روانی در طول بازداشت خود گزارش داده اند. از جمله کتک خوردن، تهدید، محرومیت از خوراک و آب، خفگی بر اثر کشیدن کیسه های پلاستیکی بر روی سر دستگیر شدگان و غیره. بسیاری از زنان از تجاوز جنسی رنج برده اند. حتی کمیسیون حقوق بشر ۱۹ مورد که شکنجه محسوب میشد، مستند ساخت. تا همین امروز هیچیک از پلیس های مسئول این امور، باری این اعمالشان مورد تعقیب قرار نگرفته اند، در حالیکه شکنجه شدگان باید خود را بطور مرتب به پاسگاه پلیس معرفی کرده و با بازداشت های جدی ای روبرو بشوند. در همه موارد شکنجه در مکزیک، شکنجه گران میتوانند بر روی معافیت خود حساب کنند، در حالیکه شکنجه شدگان مجبورند با عواقب جسمی و روانی شکنجه، حبس های طولانی، نابودی چشم اندازهای

زندگی خود، خانواده شان و شبکه های کار اجتماعی شان روبرو بشوند.

متأسفانه غیرممکن است اطلاعات موثقی در باره تعداد موارد شکنجه در مکزیک کسب کنیم. اگرچه دولت ادعا میکند که دیگر از شکنجه خبری نیست، اما سازمان های بین المللی مختلف، از جمله سازمان عفو بین الملل یا کمیته سازمان ملل علیه شکنجه، از استفاده سیستماتیک از شکنجه در مکزیک سخن میگویند. «جمعیت» کوچک ما تاکنون ۱۰۰ مورد شکنجه را طی دوره ریاست جمهوری فوکس (Fox) ثبت کرده است و ما اصلاً هیچ گرایش نزولی برای کم کردن شکنجه در مکزیک نمی بینیم. مرتکبین این شکنجه ها غالباً ماموران پلیس، بازجویان دادستانی، نظامیان، مقامات محلی و یا دیگر ماموران پلیس هستند.

این واقعیات در تناقض آشکار است با تصویر باصطلاح روشنی که رئیس جمهور تلاش دارد از خود، از زمان به قدرت رسیدن دولتش در سال ۲۰۰۰، نشان بدهد. فاکس از هر فرصتی استفاده میکند تا وانمود سازد که حقوق بشر بیش از هر چیز مورد اهتمام اوست. به همین دلیل وی در طول حکومت خود معاهدات و توافق نامه های بین المللی متفاوتی را در زمینه شکنجه امضاء کرد. چند هفته پیش، مکزیک مقاوله نامه پیمان علیه شکنجه را که بازرسی های مرتب زندان توسط کمیسیون کارشناسان را مقرر میدارد، به تصویب رساند. اما علیرغم همه اینها، نه تعداد موارد شکنجه در دوران حکومت کنونی کم شده است و نه تلاش واقعی ای برای تامین عدالت در رابطه با پرونده های قدیمی شکنجه که از دولت های دیگر به جا مانده، صورت گرفته است. بر این اساس، ما میتوان اقدامات دولت را که بدون هیچ قصد واقعی ای جهت حل مشکلات ساختاری صورت میگیرد، در صرفاً لفاظی به شمار آوریم.

در همین ارتباط لازم میدانم از افراد و سازمان هایی که در مکزیک، در مبارزه با اعمال شکنجه فعالیت می کنند نام ببرم. فعالین مستقل حقوق بشر و سازمان هایی که برای عدالت و علیه معافیت از مجازات مبارزه میکنند، با حملات مختلفی از سوی مقامات روبرو میشوند. برای اینکه صداهای منتقد و ناراحت را خنثی، آرام و خفه کنند، متدهای مختلفی مورد استفاده قرار میگیرد. از حملات آشکار و تهدید گرفته تا ارباب فعالین و سازمان ها. بدون شک، ارباب شیک ترین متد است، زیرا از خشونت آشکار احتراز میجوید و میتواند افراد و سازمان ها را به جانب حکومت بکشاند.

باید به تلاشهای سازمان های باصطلاح غیر دولتی (NGO) آمریکای شمالی که منابع مالی بزرگی را در اختیار دارند تا در جامعه حقوق بشری مکزیک نفوذ کنند، توجه خاصی مبذول داشت. به نظر میرسد که بخصوص آن سازمان هایی که بر روی مسئله شکنجه کار میکنند، نظر این سازمان های غیر دولتی را بخود جلب میکند. منظوم مخصوصاً «خانه آزادی» (Freedom House) ست که یک سازمان بغایت محافظه کار است و بکلی از سوی آمریکا تامین مالی میشود. این کمک ها از سوی آژانس ایالات متحده برای توسعه بین المللی (US-AID-Agency for International Development) سرازیر میشود. این آژانس میکوشد تا با کمک های اقتصادی، کمک های مربوط به توسعه یا نوع دوستانه در سرتاسر دنیا، حمایت از اهداف سیاست خارجی ایالات متحده را فراهم سازد.

از سال ۲۰۰۳ تا کنون، جیمز وولزی (James Woolsey)، رئیس سازمان سیا بین سالهای ۹۳ و ۹۵، طراح سیاست آمریکا در قبال عراق و مشاور بسیاری از موسسات نئو محافظه کار، رئیس «خانه آزادی» است. وی همچنین رئیس کمپانی تایتان (Titan)، یک کمپانی خصوصی تامین امنیت، است. این کمپانی حداقل یکی از بازجویان زندان ابوغریب عراق را استخدام کرده است.

ساموئل هانتینگتون (Samuel Huntington) یا دایانا ویلی یرز نگرپونته (Diana Villiers Nogroponte) همسر جان نگرپونته رئیس امنیت ملی در ایالات متحده، از جمله دیگر اعضاء هیئت مدیره و معتمدین «خانه آزادی» میباشند. بسیاری از این شخصیت ها بخاطر ایده های

بغایت محافظه کارانه خود و رابطه نزدیک شان با قدرتمندان دولت آمریکا، مشهور اند.

«خانه آزادی» مقوله شکنجه را بخاطر انجام فعالیت هایش در مکزیک انتخاب کرده است و میکوشد سازمان های محلی را از طریق دادن مبالغ هنگفت امکانات نامحدود مالی کنترل نماید. ما باید دوباره جوانب وسیع تری از این استراتژی را تحلیل کنیم. در زمانی که یک بحث عمومی در مورد استفاده قانونی از شکنجه در جنگ با تروریسم از سوی آمریکا طرح میشود و هنگامی که ایالات متحده مجبور است با گزارش های وسیعی مبنی بر شکنجه زندانیان توسط آمریکائیان روبرو گردد، دیگر چرا ایالات متحده میخواهد در مبارزه با اعمال شکنجه در مکزیک دخالت داشته باشد.

من فکر میکنم یکی از دلایل این امر این است که سازمان هایی که با افراد شکنجه شده کار میکنند، اطلاعات بسیار حساسی را جمع آوری میکنند. اطلاعات در مورد فعالین سیاسی، در باره سازمان های سیاسی، شبکه های کاری آنها، فعالیت هایشان و غیره. کنترل این سازمان ها به معنی داشتن دسترسی به تمام آن اطلاعاتی است که میتواند هر زمانی که لازم بود، در زمینه مقابله با شورش به کار گرفته شود.

بنا براین با توجه به جوانب مختلفی که در سخنرانی خود ذکر کرده ام، ما باید قبول کنیم که مبارزه با اعمال شکنجه فقط مبارزه ای برای پایان بخشیدن به یک خشونت جدی علیه حقوق بشر نیست. این مبارزه همچنین مبارزه ای است برای کسب حقوق سیاسی، برای مقابله با نقشه های سیاسی - اقتصادی مبتنی بر نابرابری و به منظور تامین یک دموکراسی واقعی. مکزیک و بسیاری از دیگر کشورها هنوز از این دموکراسی بسیار دورند.

ونکوور، ۲۸ ژوئن ۲۰۰۵

colectivo@contralatortura.org

www.contralatortura.org

برگرفته از سایت تریبون فمینیستی ایران

ویرایش با نظر فلیسیتاس ترویه از سایت انتشارات اندیشه و پیکار

www.peykarandesh.org

انتشارات اندیشه و پیکار